



The role of the goals of intellectual education in the realization of social justice from the perspective of Allameh Tabatabaei

Maryam Barati¹ | Reza Ali Nowrozi*² | Mojtaba Sepahi³

1. Phd student, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology University of Isfahan , Isfahan, Iran. Email: fh_ie@yahoo.com
2. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Educational Sciences and Psychology University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: jafarizadehomid@gmail.com
3. Assistant Professor, Department of Islamic Teachings , Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: nickmanesh.m4@gmail.com

Volume info

Vol. 34
Series: 71
Summer 2026

Article Type

Research Paper

Article History

Received:
14 June 2024
Revised:
08 January 2025
Accepted:
23 July 2026
Published:
27 July 2026

ISSN – E-ISSN

ISSN: 8901-1857

E-ISSN: 2821-1685



Abstract

The purpose of the current research is to investigate the role of the goals of rational education in the realization of social justice from the perspective of Allameh Tabatabai. This research is a type of qualitative research that has used Frankena's method of practical inference for explanation. For this purpose, first Allameh's works were examined and the topics related to rationality were taken into consideration, and in the next stage, the goals of rational education were deduced and its role in realizing social justice was discussed. The research results show that the goals of rational education from Allameh's point of view include the following. A) Knowledge of the truth in the course of monotheistic authorities (actions, attributes and essence) in order to manifest the belief justice (faith in the truth) in human existence. b) The conduct of servitude to obtain the position of governorship in order to achieve practical justice. C) Divine love and its manifestations are the degree of emotional balance to focus love on the true beloved. d) Virtuous morality is the degree of achieving individual justice. e) Development of social balance in the direction of social justice, which means that everyone is placed in his right place and has rights according to his social weight. c) Economic prosperity is for the realization of economic justice, which means fair distribution of wealth and its growth.

Keywords: rational education; Goals, social justice, Allameh Tabatabaei.

Cite this Paper: Barati'M & Nowrozi'RA, Sepahi'M.(2026). The role of the goals of intellectual education in the realization of social justice from the perspective of Allameh Tabatabaei. Journal of The Research in Islamic Education Issues. 34(71), 197-226



Publisher: Imam Hossein University.

© The Author(s).



دور أهداف التربية العقلانية في تحقيق العدالة الاجتماعية من وجهة نظر العلامة الطباطبائي (رضي الله عنه)

مريم براتي^١ | رضا علي نوروزي^{٢*} | مجتبی سپاهی^٣

١. طالب دكتوراه في فلسفة التربية، قسم العلوم التربوية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران

Email: mrymbraty@gmail.com

٢. أستاذ مشارك، قسم العلوم التربوية، كلية علم النفس والعلوم التربوية، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران

Email: nowrozi.r@gmail.com

Email: m.sepahi@litr.ui.ac.ir

٣. أستاذ مساعد، قسم التربية، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة أصفهان، أصفهان، إيران

الْمُلَخَّص

يهدف البحث الحالي إلى معرفة دور أهداف التربية العقلانية في تحقيق العدالة الاجتماعية من وجهة نظر العلامة الطباطبائي (رضي الله عنه). هذا البحث هو نوع من الأبحاث النوعية التي استخدمت طريقة فرانكن في الاستدلال العملي للتفسير. ولهذا الغرض، تمت دراسة أعمال العلامة أولاً وأخذت المواضيع المتعلقة بالعقلانية بعين الاعتبار، وفي المرحلة التالية تم استنباط أهداف التربية العقلانية ومناقشة دورها في تحقيق العدالة الاجتماعية. وأظهرت نتائج البحث أن أهداف التربية العقلانية من وجهة نظر العلامة تتضمن ما يلي: (أ) معرفة الحق من خلال السلطات التوحيدية (الأفعال والصفات والجواهر) لإظهار العدالة الدينية (الإيمان بالحق) في الوجود الإنساني. (ب) سلوك العبودية للحصول على منصب الوالي تحقيقاً للعدالة العمليّة. (ت) الحب الإلهي ومظاهره هو درجّة التوازن العاطفي لتركيز الحب على المحبوب الحقيقي. (ث) الأخلاق الفاضلة من أجل تحقيق العدالة الفردية. (ج) سيادة القانون بمشاركة الشعب لتحقيق العدالة السياسية. (ح) تنمية التوازن الاجتماعي في اتجاه العدالة الاجتماعية، مما يعني أن كل فرد يو ضع في مكانه الصحيح وله حقوق حسب وزنه الاجتماعي. (خ) الرخاء الاقتصادي هو لتحقيق العدالة الاقتصادية، وهو ما يعني التوزيع العادل للثروة ونموها.

الكلمات المفتاحية: التعليم العقلاني؛ الأهداف، العدالة الاجتماعية، العلامة الطباطبائي.

السنة والرقم

المجلد: ٣٤

سيف ١٤٤٧

ورقة البحث

تاريخ المقالة

تاريخ الاستلام: ٠٧ ذي الحجة ١٤٤٥

تاريخ المراجعة: ٠٧ رجب ١٤٤٦

تاريخ القبول: ٠٨ صفر ١٤٤٨

تاريخ النشر: ١٢ صفر ١٤٤٨

ISSN – E-ISSN

ISSN: 8901-1857

E-ISSN: 2821-1685



استناد: براتي، مريم؛ نوروزي، رضا علي؛ سپاهی، مجتبی. (١٤٤٨). دور أهداف التربية العقلانية في تحقيق العدالة الاجتماعية من

وجهة نظر العلامة الطباطبائي (رضي الله عنه)؛ مجلة العمى البحث في قضايا التربية الاسلامية؛ ٣٤ (٧): ١٩٧-٢٢٦.



المؤلفون

الناشر: الجامعة الامام الحسين (ع)



OPEN ACCESS



نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی (ره)

مریم براتی^۱ | رضا علی نوروژی^{۲*} | مجتبی سپاهی^۳

۱. دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email: mrymbraty@gmail.com

۲. دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Email: nowrozi.r@gmail.com

Email: m.sepahi@litr.ui.ac.ir

۳. استادیار، گروه معارف، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از منظر علامه طباطبایی (ره) است. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است که از روش استنتاج عملی فرانکنا برای تبیین بهره برده است. به همین منظور ابتدا آثار علامه، مورد بررسی قرار گرفته و مباحث مربوط به عقلانیت مدنظر قرار گرفته شد و در مرحله بعد، اهداف تربیت عقلانی استنتاج گردید و نقش آن در تحقق عدالت اجتماعی مطرح گردید. نتایج پژوهش نشان می دهد که اهداف تربیت عقلانی از دیدگاه علامه شامل: الف) معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات) در جهت تجلی عدالت اعتقادی (ایمان به حق) در وجود انسان ب) سلوک بندگی برای کسب مقام ولایت در جهت دستیابی به عدالت عملی پ) حب الهی و تجلیات ایشان در جهت تعادل عاطفی برای تمرکز عشق بر محبوب حقیقی. ت) اخلاق فاضله در جهت دستیابی به عدالت فردی. ث) حاکمیت حق با مشارکت مردم در جهت تحقق عدالت سیاسی ج) توسعه توازن اجتماعی در جهت عدالت اجتماعی به معنای قرار گرفتن هرکس در جایگاه مناسب خود و برخورداری از حقوق متناسب با وزن اجتماعی. چ) شکوفایی اقتصادی برای تحقق عدالت اقتصادی یعنی توزیع عادلانه ثروت و رشد آن است.

کلیدواژه ها: تربیت عقلانی؛ اهداف، عدالت اجتماعی، علامه طباطبایی (ره).

سال و شماره

سال ۳۴، پیاپی: ۷۱

تابستان ۱۴۰۵

نوع مقاله

مقاله پژوهشی

سابقه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۰۵

شابا چاپی و الکترونیکی

شابا چاپی: ۶۹۷۲-۲۲۵۱

الکترونیکی: ۵۱۹۶-۲۶۴۵



استناد: براتی، مریم؛ نوروژی، رضا علی؛ سپاهی، مجتبی. (۱۴۰۵). نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از

منظر علامه طباطبایی (ره)؛ پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی؛ ۳۴ (۷۱)؛ ۲۲۶-۱۹۷.

نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)



OPEN ACCESS

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل اساسی جوامع، به‌ویژه جامعه‌ی ایران مسئله‌ی تحقق عدالت اجتماعی است. عدالت اجتماعی یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی است که بر مبنای اندیشه‌ی مهم‌ترین متفکران اسلامی عبارت از قوام و توازن اجتماعی است. جامعه اسلامی باید برای تحقق این قوام، ساختار کلان خود را مبتنی بر سه مؤلفه اساسی حکومت در قالب استقرار ولایت سیاسی الهی (قوام دولت)، اقتصاد و معیشت متوازن (قوام مال) و نهایتاً روابط منسجم معتدل اجتماعی (قوام نسل) تنظیم کند تا عدالت اجتماعی تحقق یابد (سرآبادانی، مصطفوی، سجادی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۹۹ و ۳۰۰). بر مبنای این نظریه خاندوزی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به برآورد شاخص‌های ترکیبی عدالت اجتماعی ایران در دهه‌ی ۹۰ پرداخته‌اند که نتایج حاکی از آن است که شاخص کل عدالت (شاخص‌ها در دامنه صفر (پایین‌ترین) تا ۱۰ (بالا‌ترین) (همان: ۱۷)) که جمع سه حوزه تبدلات اقتصادی، تعاملات اجتماعی و حکمرانی است از ۵/۰۷ به ۴/۳۵ کاهش یافته و این نشان از تنزل عدالت در طول سه دهه پیشرفت و عدالت در کشور بوده است. بنابراین با توجه به عملکرد چندساله‌ی ایران، عدالت اجتماعی در مقام عمل در جایگاه قابل قبولی نیست (همان: ۳۳-۳۴). از آنجاکه براساس آیه‌ی شریفه‌ی ۲۵/ حدید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» مردم رکن اساسی برپایی عدالت اجتماعی در نظام مردم‌سالار دینی محسوب می‌شوند بنابراین دولت اسلامی باید توجه خود را به لزوم برخورداری آحاد جامعه‌ی اسلامی از تربیت صحیح عقلانی که جامع تمام ساحت‌های تربیتی است معطوف دارد تا جامعه‌ای عاقلانه شکل گیرد و زمینه‌ی لازم برای تحقق عدالت اجتماعی در سطح وسیع آن فراهم گردد. بدین منظور در پژوهش حاضر سعی شده تا به نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه فیلسوف و مفسر بزرگ قرآن کریم علامه طباطبایی^(ره) پرداخته شود.

علامه وجه تمایز و همچنین حقیقت وجود انسان را عقل دانسته و آن را به تعبیری رساتر دارای دو ساحت حقیقی و اعتباری می‌داند که انسان به وسیله‌ی آن حق را از باطل و خیر را از شر تمیز می‌دهد. ساحت اول، ادراک حقیقی است که ارتباطی به اعمال انسان نداشته و تنها واقعیاتی کشفی است که باید با خارج تطابق داشته باشد. ساحت دوم ادراک اعتباری است که قراردادی و اعتباری

بوده و انسان‌ها آن را برای رفع احتیاجات زندگی اجتماعی خویش و وضع و آن را در ظرف اجتماع تعلیل و سپس اراده‌اش را مستند به آن می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۶۲-۶۴). علامه تأکید می‌کند که صحت عملکردهای عقلانی در دو ساحت حقیقی و اعتباری تنها در مجرای فطرت سلیم حاصل می‌گردد (همان، ج ۲: ۳۷۴)؛ و از آنجا که تربیت کامل هر نوع باید با پرورش شاخص‌های اصلی همان نوع انجام گیرد، بنابراین اسلام، اهتمام خود را بر پایه‌ی تعلیم و تربیت عقلانی گذاشته است (طباطبایی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۷۷) این گونه می‌نماید که علامه تربیت عقلانی را شکوفایی عقل در دو ساحت حقیقی و اعتباری دانسته که نهایتاً انسان را به‌غایت خود یعنی تعدیل و سعادت تمام قوای (ابعاد) وجودی‌اش سوق داده و به تمام نیازهای مادی و معنوی‌اش پاسخی جامع و شایسته می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۹) و جامعه‌ی برخوردار از تربیت عقلانی، جامعه‌ای معتدل را شکل می‌دهد که تمدن اسلامی را پایه‌گذاری و بشریت را به سعادت حقیقی‌اش رهنمون می‌سازد؛ بنابراین در پژوهش حاضر سعی بر آن بوده تا به این پرسش پاسخی درخور داده شود که نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبایی (ره) چیست؟

مبانی نظری

مبانی نظری تربیت عقلانی

حیات عقلانی به‌قدری دارای اهمیت است که خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به آن اشاره کرده است. علامه طباطبایی (ره) تبیین می‌کند کلمه‌ی عقل به آن معنای امروزی یکی از اسماء مستحدثه است که از طریق غلبه استعمال این معنا را گرفته، بر همین اساس کلمه‌ی عقل به‌هیچ‌عنوان در قرآن نیامده و تنها افعال مشتق شده‌ی آن و همچنین (طباطبایی، ج ۲: ۶۰۸) واژه‌های متعدد قرآنی از جمله لب (همان، ج ۳: ۴۵)، نهی (همان؛ ج ۱۴: ۲۳۹)، فؤاد (همان، ج ۱۵: ۷۶)، قلب (همان؛ ج ۱۸: ۵۳۳)، حلم (همان؛ ج ۱۹: ۲۸) و حجر (همان، ج ۲۰: ۴۶۹) به این معنا تفسیر شده‌اند. فیلسوفان اسلامی بسیاری از جمله فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، ملاصدرا و... در آثار متعدد خود به عقل اشاره کرده‌اند که می‌توان با تأمل در این نظریات، تربیت عقلانی و اهداف آن را از دیدگاه ایشان استنباط کرد. فارابی رساله‌ای مخصوص درباره‌ی عقل با عنوان رساله‌ی معانی فی العقل

نگاشته که در آن به بررسی شش معنای متمایز عقل می‌پردازد. فارابی معتقد است قوه‌ی عاقله‌ی انسان به دو صورت نظری و عملی در نفس انسان نمود می‌یابد. قوه‌ی عملی استعدادی است که خیر و شر را شناخته و به سوی خیر گرایش و از بدی‌ها دوری می‌کند (فارابی، ۱۹۸۳: ۱۰۴). قوه‌ی نظری وجه دیگری است که سبب معرفت و ادراک معقولات در نفس آدمی می‌شود و از نظر فارابی اشرف اجزاء نفس است؛ زیرا به وسیله‌ی آن الهیات و شناخت باری جل‌ثانی به دست می‌آید (همان، ۱۴۰۵: ۱۰۸). وی این قوه را دارای سه مرتبه‌ی بالقوه، بالفعل و مستفاد می‌داند (همان، ۱۹۸۳: ۱۰۷). ابن‌سینا دیگر فیلسوف اسلامی است که به بررسی و تبیین عملکردهای عقل انسان پرداخته است. ایشان کیفیت عقل، عملکرد و مراتب آن را همانند فارابی تبیین می‌کند ولیکن یک مرحله‌ی دیگری از جمله عقل بالملکه را به مراتب عقل نظری اضافه می‌کند. ابن‌سینا نخستین مرتبه عقل (بالقوه) را توان و استعداد محض درک معقولات می‌داند که در دومین مرتبه (بالملکه) می‌تواند به ادراک معقولات اولی و نظری به وسیله فکر یا حدس قوی دست یابد. در سومین مرتبه عقلانی (بالفعل)، معقولات به صورت مشهود و نمایان برای نفس پدیدار شده و نهایتاً در مرتبه‌ی آخر (عقل مستفاد) نفس تمامی معقولاتی را که به دست آورده هر زمان که بخواهد بدون نیاز به کسب و کوشش جدید به صورت ادراکی واضح و روشن احضار می‌کند. ابن‌سینا فاعلی که نفس را از مقام هیولانی به مقام عقل بالمستفاد هدایت می‌کند را عقل فعال می‌داند (ابن‌سینا، ۱۳۶۸: ج ۱: ۱۸۷). ملاصدرا دیگر فیلسوف جامع نگر اسلامی است که عقل و قوای آن را همانند دیگر فیلسوفان ذیل مبحث نفس شناسی مطرح کرده است ولیکن عقل عملی را در اقدامی ابداعی دارای چهار مرتبه شامل: ۱- تهذیب ظاهر به معنای ملزم شدن به انجام اعمال شریعت. ۲- تهذیب باطن به معنای پاک کردن نفس از ملکات و اخلاقیات ناپسند. ۳- آراستن باطن به صفات پسندیده. ۴- فنای نفس از ذات خویش می‌داند (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۳۰۸-۳۰۹). با توجه به نظریات اندیشمندان اسلامی این گونه می‌نماید که تربیت عقلانی به معنای ایجاد زمینه و شرایط مناسب (مجموعه تدابیر و اعمالی) برای رشد و شکوفایی عقل در دو حیطه‌ی نظری و عملی است تا به استکمال نهایی خود یعنی عقل مستفاد برسد و انسان را به سمت هدف غایی تربیت عقلانی یعنی فنای فی الله سوق دهد.

مبانی نظری عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی از جمله مباحث اساسی است که فیلسوفان بسیاری از جمله فیلسوفان اسلامی در کتاب‌های خود بدان پرداخته‌اند. لازم به ذکر است این فیلسوفان غالباً عدالت اجتماعی را در خلال مباحثی که از مدینه‌ی فاضله‌ی خویش ترسیم کرده‌اند، تبیین کرده‌اند که در این مجال به نظریات فیلسوفانی چون ابن‌سینا، ملاصدرا و علامه طباطبایی پرداخته می‌شود. ابن‌سینا یکی از فیلسوف اسلامی است که مطابق با تعریف: «إعطاء كل ذي حق حقه و وضع كل شیء فی موضعه» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ هـ: ۴۴۱) مدینه‌ی عادلانه‌ای را تشریح می‌کند که از آن تعبیر به نظام سقراطی کرده و اهل مدینه باهدف دست یافتن به سعادت دنیوی و اخروی با یکدیگر کوشش و مشارکت می‌کنند (همان، ۱۴۰۵ هـ ج ۴: ۶۳-۶۲). ابن‌سینا نظام مدینه را نظامی سلسله‌مراتبی می‌داند که افراد و اعضای آن از حیث وظیفه و طبقات اجتماعی برحسب شایستگی‌ها و قابلیت‌های متفاوت به سه گروه مدبران، صنعتگران و پاسداران تقسیم می‌شوند و رئیس مدینه رکن اصلی تشکیل این مراتب است که در بالاترین نقطه نظام افراد مدینه قرار دارد. (همان: ۴۴۷). ابن‌سینا تنها نبی (عقل قدسی) را شایسته ریاست مدینه می‌داند زیرا از نوعی معرفت به حقایق عالم اعلی برخوردار است (همان، ۱۴۰۴ هـ: ۴۵۵) و می‌تواند به حاکمیت شریعت و قوانین الهی بر مدینه اهتمام ورزد (همان، ۱۴۰۵ هـ ج ۴: ۸). ملاصدرا دیگر فیلسوفی است که در «مبدأ و معاد» و «شواهد الربوبیه» به طریقی مشابه به لزوم عدالت و جایگاه آن در اجتماع می‌پردازد. ملاصدرا معتقد است که انسان مدنی بالطبع است و قوام و استمرار زندگی‌اش در گرو اجتماع و تعاون است که به دنبال آن شهرها شکل می‌گیرند ولی از آن جا که خلق و خوی انسانی خواستار هر آن چیزی است که به آن نیاز دارد و از این رو با هر آنچه مانع دستیابی به آن شود با قوه خشم خود برخورد می‌کند؛ دایما جنگ و درگیری جامعه را فرامی‌گیرد و خطر اختلال نظام اجتماعی را همواره تهدید می‌کند (ملاصدرا، ۱۳۵۴: ۴۸۹-۴۹۰). بر همین اساس تنها راه پیش‌گیری از فروپاشی جامعه به عنوان زمینه ساز سعادت انسان بهره بردن از قانونی است که تعریف شده و ضابطه‌مند، موافق طبع و محل مراجعه عموم مردم در امور مربوط به خانواده تعاملات اقتصادی و اجتماعی و نزاع‌های کیفری باشد؛ تا بر اساس چنین قانونی در جامعه به «عدل» حکم شود؛ و نهایتاً قانونی که چنین ویژگی‌هایی داشته باشد، قانون شرع است که به واسطه نبی به دست بشر می‌رسد (همان، ۱۳۶۰: ۳۵۹-۳۶۰؛ همان، ۱۳۶۳: ۵۶-۵۷).

علامه طباطبائی دیگر فیلسوف اسلامی معتقد است که انسان ابتدا با هدایت طبیعت و تکوین پیوسته از همه سود خویش را طلب و استخدام را اعتبار می کند و سپس برای سود خویش سود همه را طالب است که اجتماع را اعتبار و برای سود همگی حسن عدالت اجتماعی را اعتبار می کند؛ بنابراین انسان تکویناً بر مبنای سه اصل مذکور خواستار قرارگیری افراد جامعه در جایگاه مناسب خویش است (همان، ۱۳۸۷ الف: ۱۳۵ و ۱۳۴). ولیکن این جامعه انسانی تنها زمانی دارای اجتماعی آباد و انسان ساز می شود که دارای اصول علمی و قوانین اجتماعی عادلانه باشد (همان، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۲۸۶)؛ بنابراین طریق دیگری همسو با ولایت تکوینی باید باشد تا اصول و قوانین و سنن عملی عادلانه (ولایت تشریعی) را منطبق با دستگاه آفرینش (فطرت) و غایت انسان ارائه دهد (ولایت تشریعی عادلانه منطبق بر نظام عادلانه تکوین) و آن طریق دین (اسلام) است که از جانب حق تعالی به واسطه پیامبران و طریق وحی به انسان ها ارائه شده و سعادت واقعی انسان را تضمین می کند (همان: ۲۸۸).

پیشینه پژوهش

طبق بررسی های انجام شده پژوهش هایی مرتبط با موضوع اهداف تربیت عقلانی و عدالت اجتماعی در دو حیطه داخلی و خارج از کشور انجام شده است که به برخی از آن ها اشاره می گردد. الف) تحقیقات داخلی مرتبط با اهداف تربیت عقلانی به ترتیب سال از جدید به قدیم شامل موارد زیر است: عشوری و خوشناموند (۱۴۰۱) در مقاله «تحلیل مبانی، اهداف، اصول و روش های تربیت عقلانی از دیدگاه شهید مطهری» هدف تربیت عقلانی را رسیدن به کمال انسانی تبیین کرده اند. عادل زاده نایینی، نوروزی و رحمانی (۱۴۰۱) در مقاله «الگوی تربیت عقلانی فارابی با تأکید بر عقل عملی» هدف غایی را نیل به الله و اهداف واسطی را فعلیت یافتن قوه عاقله و... استنتاج کرده اند. غلامی، نوروزی، حیدری و سپاهی (۱۴۰۱) در مقاله «غایت شناسی تربیت عقلانی در رویکرد فیض محور افلوطین» غایت اصلی را یگانگی عقلانی نفس با واحد نخستین و اهداف واسطی را مراقبه، خودشناسی و... تبیین کرده اند. براتی و نوروزی (۱۴۰۰) در مقاله «اهداف تربیت عقلانی در اندیشه ی لوگوس محور هراکلیت» غایت را اتصال و شناخت لوگوس و اهداف واسطی را خودشناسی، درک اجتماعی و... دانسته اند. تقی زاده پاسندی، میریان و قاسمی

(۱۴۰۰) در مقاله‌ی «سبک تربیت عقلانی در سیره صادقین (ع)» اهداف تربیت عقلانی را چیرگی بر هوای نفس و ترویج آموزه‌های دین اصیل تبیین کرده‌اند. نوذری و زارعی رضایی (۱۴۰۰) در مقاله‌ی «مبانی، مفهوم و اهداف تربیت عقلانی از دیدگاه علامه طباطبائی (ره)» اهداف تربیت عقلانی در سطح غایی را تحصیل سعادت، پیروی حق و دستیابی به کرامت استنباط کرده‌اند. نوروزی و براتی (۱۳۹۹) در مقاله‌ی «تبیین مراحل تربیت عقلانی مبتنی بر مراتب نفس از منظر ملاصدرا» مراحل تربیت عقلانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. پورمحمودی و ملکی (۱۳۹۴) در مقاله‌ی «تربیت عقلانی از منظر علامه جعفری و پیامدهای تربیتی آن» هدف غایی را بندگی خدا و اهداف واسطی را خودسازی، غلبه عقل بر هوای نفس و... استنتاج کرده‌اند. ب) تحقیقات خارجی مرتبط با اهداف تربیت عقلانی به ترتیب سال از جدید به قدیم شامل موارد زیر است: فرانکلین هال^۱ (۲۰۲۱) در مقاله‌ی «آموزش چگونه فکر کردن به کودکان: خودمختاری عقلانی به عنوان هدف آموزش لیبرال» آموزش تفکر انتقادی و عقلانی به کودکان را تأکید می‌کند. کوهن^۲ (۲۰۰۵) در کتاب «آموزش برای تفکر» آموزش مهارت استفاده از ذهن در مدرسه و خارج آن را بررسی می‌کند. وینچ^۳ (۲۰۰۴) در مقاله‌ی «توسعه عقلانیت انتقادی به عنوان یک هدف» به مهارت انتقادی در جوامع مدرن می‌پردازد. لیمن^۴ (۲۰۰۳) در کتاب «تفکر در تعلیم و تربیت» به روش‌های آموزش تفکر به دانش آموزان در قالب رشته فلسفه در کلاس درس تأکید می‌کند. موشمن^۵ (۱۹۹۰) در مقاله‌ی «عقلانیت به عنوان هدف آموزش» مفهومی از عقلانیت را به عنوان هدف و وسیله‌ی آموزشی پیشنهاد می‌دهد.

پ) تحقیقات داخلی مرتبط با عدالت اجتماعی به ترتیب سال از جدید به قدیم شامل موارد زیر است: رشیدی، ایازی، باقری و مهریزی (۱۴۰۲) در مقاله‌ی «تبیین جامعه‌شناختی مصادیق قرآنی عدالت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبائی در تفسیر المیزان» مصادیق قرآنی عدالت اجتماعی را در سه مرحله مبدأ محور، فرایند محور، نتیجه محور بررسی کرده‌اند. براتی، نوروزی و سپاهی (۱۴۰۲) در مقاله‌ی «عدالت اجتماعی بر مبنای عقلانیت عملی از منظر علامه طباطبائی (ره)» مبانی

1. Franklin-Hall
2. Kuhn
3. Winch
4. Lipman
5. Moshman

عدالت اجتماعی را در دودسته مبانی پیشا اجتماع و پسا اجتماع تبیین کرده‌اند. شفیع، مولایی نیا و مودب (۱۴۰۲) در مقاله‌ی «بررسی تطبیقی دیدگاه علامه طباطبائی و سید قطب پیرامون مبانی عدالت اجتماعی در تفسیر المیزان و فی ظلال القرآن» عدالت اجتماعی از دیدگاه علامه طباطبائی و سید قطب را مورد بررسی قرار داده‌اند. هاشمی و بابایی (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «نظریه عدالت اجتماعی علامه طباطبائی و مبانی آن» به تبیین منشأ حُسن عدالت اجتماعی و مبانی آن پرداخته‌اند. پ) تحقیقات خارجی مرتبط با عدالت اجتماعی به ترتیب سال از جدید به قدیم شامل موارد زیر است: حسن^۱ (۲۰۲۴) در مقاله‌ی «بشردوستی و عدالت اجتماعی در اسلام: اصول، چشم‌اندازها و اعمال» به بررسی مفاهیم عمده بشردوستی و عدالت اجتماعی در اسلام پرداخته است. وی^۲ (۲۰۲۴) در مقاله‌ی «آموزش تحول‌آفرین برای گنجاندن و عدالت اجتماعی از طریق انتقال زبان، یادگیری مشترک و جابه‌جایی» به بهره‌گیری از زبان آموزی برای گنجاندن عدالت اجتماعی از طریق فرآیندهای یادگیری مشترک و تبدیل تأکید کرده‌اند. علیزاده و شریفی (۲۰۲۳) در مقاله‌ی «به‌سوی شهر هوشمند اجتماعی: تبیین بعد عدالت اجتماعی شهرهای هوشمند» به بررسی جنبه‌های عدالت اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی شهر هوشمند اجتماعی پرداخته‌اند. رستم او^۳ (۲۰۲۳) در ی «تفسیری منحصربه‌فرد از عدالت اجتماعی در فلسفه شرق» به بیان تفسیری خاص از عدالت اجتماعی می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش حاضر تبیین نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از منظر علامه طباطبائی (ره) است که بر اساس موضوع پژوهش پارادایم آن کیفی است. در گام ابتدایی برای جمع‌آوری اطلاعات (ابزار گردآوری داده) از روش «بررسی اسناد و مدارک» مرتبط با موضوع پژوهش که از جامع‌ترین روش‌ها در پژوهش‌های کیفی است (مارشال و راسمن، ۱۳۷۷) استفاده شده است. در گام دوم با بهره‌گیری از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند دو مرحله‌ی زیر انجام گردید: الف- شناخت منابع دست‌اول: در این مرحله، ابتدا به‌منظور آشنایی مقدماتی با منابع مربوط

1. Hasan

2. Wei

3. Rustamov

به موضوع تحقیق، کتابشناسی علامه طباطبائی^{۱۵} مورد مطالعه قرار گرفت و سپس از کلیه کتبی که مرتبط با موضوع تحقیق است، یادداشت برداری شد. ب- شناخت منابع دست دوم: در گام بعدی، منبع شناسی شارحان نظریات علامه طباطبائی^{۱۶} (کتب تألیفی، پایان نامه، مقالات) مورد بررسی قرار گرفت و فهرستی از منابع مرتبط با موضوع فراهم شد. در گام سوم به تحلیل و تفسیر داده ها با استفاده از روش الگوی بازسازی شده ی فرانکنا به شیوه ی پیش رونده پرداخته شد. فرانکنا با استفاده از الگوی قیاس عملی ارسطو، الگویی مطرح نموده است که می توان از آن برای تحلیل فلسفه های هنجارین استفاده نمود. در فلسفه های هنجارین دو نوع گزاره لازم است: گزاره های هنجارین و گزاره های واقع نگر. (باقری، ۱۳۸۹: ۱۰۵). گزاره های هنجارین ماهیتی تجویزی دارند و گزاره های واقع نگر معمولاً ماهیتی فلسفی و الهیاتی دارند. لازم به ذکر است که این ترکیب به صورت یک استدلال تنظیم می شود که مقدمات آن، گزاره ی شماره ی یک هنجارین (باید آغازین) و گزاره ی شماره یک واقع نگر و نتیجه، گزاره ی شماره دوی هنجارین است. در ادامه گزاره ی شماره دوی هنجارین با گزاره های واقع نگر فلسفی یا الهیاتی دیگر، دانش هایی را نتیجه می دهد. بر همین اساس، در این پژوهش ابتدا به صورت هدفمند آثار علامه طباطبائی مورد بررسی قرار گرفته و مباحث مربوط به عقلانیت و عدالت از منظر ایشان جمع آوری و سپس، به منظور دستیابی به اهداف تربیت عقلانی علامه یک باید آغازین هنجاری به عنوان مقدمه ی قیاسی اول در نظر گرفته شد و سپس مبتنی بر یک گزاره ی واقع نگر فلسفی به عنوان مقدمه ی دوم قیاس عملی، نتیجه ی قیاس عملی یا همان اهداف استنتاج گردید. در پایان لازم به ذکر است از جمله راهبردهای مورد استفاده برای افزایش روایی و پایایی پژوهش بهره گیری از ۱- همسو سازی (میرام و تیسدل، ۱۳۹۸: ۲۷۸) و با بیش از ۳۰ کتاب علامه طباطبائی انجام شده است. ۲- درگیر شدن مناسب در گردآوری داده ها (میرام و تیسدل، ۱۳۹۸: ۲۷۸) به این معنا که زمان کافی صرف گردآوری داده ها تا حد رسیدن به اشباع انجام گردیده است. ۳- بررسی توسط هم تایان (میرام و تیسدل، ۱۳۹۸: ۲۷۸) به این معنا که نویسندگان مسئول و راهنما هر کدام به عنوان متخصصان حوزه ی تعلیم و تربیت فرایند و یافته های پژوهش را نظارت و بررسی کرده اند. ۴- توصیفات غنی و دقیقی (میرام و تیسدل، ۱۳۹۸: ۲۷۸) از یافته های پژوهش در متن مقاله ارائه گردیده است.

1. Merriam, Tisdell

سؤالات پژوهش

در پژوهش حاضر به دو پرسش اساسی زیر پاسخی شایسته داده خواهد شد:

- ۱- مبنای اهداف تربیت عقلانی از منظر علامه طباطبائی^(ره) چیست؟
- ۲- نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از منظر علامه طباطبائی^(ره) چیست؟

یافته‌های پژوهش

- ۱- مبنای اهداف تربیت عقلانی از منظر علامه طباطبائی^(ره) چیست؟

مبنای اهداف تربیت عقلانی در قالب قیاس عملی به شرح زیر قابل تبیین است:

عدالت (اجتماعی) در اندیشه علامه یک حکم فطری است. ایشان با استناد به آیات (۷-۱۰/ شمس) تبیین می‌کنند هر فطرت سلیمی به عدل و استقامت دعوت و از ظلم و انحراف از حق نهی می‌کند و دین الهی هم این فطرت را در همین تشخیص اجمالی‌اش تأیید نموده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۱۰۵). ایشان معتقدند مقصود از عدالت اجتماعی این است که با هر کدام از اعضای جامعه به گونه‌ای رفتار شود که استحقاق آن را دارد و درجایی قرار گیرد که سزاوار آن جایگاه است. ایشان عدالت اجتماعی را خصلتی اجتماعی می‌داند که هم باید هر کدام از اعضای جامعه مأمور به اقامه آن باشند و هم جامعه که حکومت عهده دار زمام آن است (همان، ج ۱۲: ۴۷۹). علامه طباطبائی عدالت اجتماعی را به لحاظ ارزشی (حسن و قبح) دارای حسن ذاتی ۸، ثابت و دائمی می‌داند و این گونه استدلال می‌کند: «حسن و قبح ذاتی تابع آن فعلی است که متصف به یکی از این دو صفت است تا ببینی فعل چه مقدار با غرض اجتماع سازگار و یا چه مقدار ناسازگار است. بعضی از افعال حسن و خوبی‌اش دائمی و ثابت است مانند عدل (اجتماعی) چون همیشه با غرض اجتماع سازگار است و یا قبح و بدیش دائمی و ثابت است مانند ظلم چون همیشه با غرض اجتماع سازگار است» (همان، ج ۵: ۱۰). بر همین مبنا از آنجا که عدالت اجتماعی همیشه با غرض اجتماع سازگار است و غرض اجتماع هم چیزی جز سعادت نوع بشر نیست، بنابراین عدالت اجتماعی (با حسن دائمی و ثابت) از عوامل اساسی سعادت نوع بشر در تمامی جوامع بشری است. مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۱: عدالت اجتماعی باید جامعه‌ی بشری را به سعادت برساند.

مبنای اول: عقلانیت

از منظر علامه وجه ممیزه‌ی انسان نسبت به سایر موجودات عقل است. علامه عقل را در لغت «به معنای بستن و گره زدن» می‌داند که از واژه‌ی «عقال» اخذ شده و آن را طنبابی می‌داند که با آن پا و یا زانوی شتر را می‌بندند. وی در تشریح این لغت، تبیین می‌کند ادراکاتی که انسان آن‌ها را در دل می‌پذیرد و نسبت به آن‌ها پیمان قلبی می‌بندد، عقل نامیده می‌شود (همان، ج ۲: ۳۷۱). علامه همچنین عقل (ادراک) انسان را به دو قسم حقیقی و اعتباری تقسیم می‌کند. ایشان معتقدند که انسان با ادراکات حقیقی (عقل نظری) در مسائل فکری و نظری حق را از باطل و با ادراکات اعتباری (عقل عملی) در مسائل عملی خیر را از شر و نافع را از مضر تمیز می‌دهد (همان، ج ۲: ۳۷۴). ایشان ادراکات حقیقی را تصورات و تصدیقاتی می‌داند که هیچ‌گونه ارتباطی به اعمال انسان‌ها ندارد (وجود یا عدم انسان و همچنین اعمال زندگی فردی و اجتماعی) و به عبارتی تنها واقعیاتی را کشف کرده که با خارج مطابقت دارد (همان، ج ۸: ۶۲). علامه همچنین ادراکات اعتباری را قراردادی می‌داند که همه آن‌ها را به منظور مصالح زندگی خویش وضع و اعتبار می‌کند (همان: ۶۴). لازم به ذکر است که علامه اعمال و عملکردهای عقلانی در دو بعد حقیقی و اعتباری را در صورتی صحیح می‌داند که در مجرای سلامت فطرت حاصل گردد (همان، ج ۲: ۳۷۴). بر همین اساس انسان به واسطه‌ی تربیت عقلانی در دو بعد حقیقی و اعتباری نواقص وجودی‌اش را جبران و به کمال حقیقی‌اش نائل می‌گردد.

مقدمه‌ی دوم قیاس عملی ۱: سعادت جامعه‌ی بشری وابسته به تربیت عقلانی است.

از منظر علامه سعادت حقیقی انسان رسیدن به خیر وجودش است تا به واسطه آن، کمالش را بیابد و بهره‌مند گردد و سعادت انسان که موجودی مرکب از بدن و روح است شامل وصول به خیرات جسمانی و روحانی و متنعم شدن به آن است (همان، ج ۱۱: ۲۲). این سعادت حقیقی انسان در دو بعد مادی و معنوی وابسته به سعادت جامعه است. سعادت جامعه حالت و وضعیتی است که اجتماع برای رسیدن به آن وضعیت مطلوب، تشکیل شده است (همان، ج ۳: ۱۵۷)؛ و آن وضعیت مطلوب حکومت عادلانه‌ی عقلانی با محوریت وحی است که زمینه را برای شکوفایی عادلانه‌ی استعداد عقلانی بشریت در دو بعد حقیقی و اعتباری فراهم می‌آورد تا بشریت مراتب عقلانی را با سلامت فطرت طی کند و به غایت خلقت خود نائل گردد.

نتیجه‌ی قیاس عملی ۱: جامعه‌ی بشری باید باتربیت عقلانی به سعادت برسد. همان‌گونه که تبیین شد هدف جامعه اسلامی سعادت حقیقی انسان است و سعادت حقیقی انسان وابسته به تربیت عقلانی بشریت است زیرا تربیت عقلانی جامع تمام ابعاد تربیتی است و تمام ابعاد وجودی انسان را تعدیل می‌کند یعنی عدالت را در تمامی قوای او می‌گستراند به عبارتی هم خواسته‌ها و مشتتهای جسمانی را به اندازه‌ای که وی را از معرفت حق تعالی باز ندارد، به انسان ارزانی می‌دارد و هم خواسته‌های معنوی‌اش را پاسخ می‌دهد، بلکه نیازهای مادی را مقدمه‌ای برای وصول به معرفت حق قرار دهد و این بالاترین سعادت و آرامش است که تمامی قوای انسان به سعادت خاص خود می‌رسند (همان، ج ۴: ۱۵۹).

۲- نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از منظر علامه طباطبائی (ره) چیست؟

نقش اهداف تربیت عقلانی در تحقق عدالت اجتماعی از منظر علامه طباطبائی (ره) در قالب ۷ قیاس عملی مبتنی بر مبنای اهداف تربیت عقلانی در جدول زیر تبیین، سپس هر قیاس به تفصیل در ذیل جدول شرح داده می‌شود.

جدول ۱. اهداف تربیت عقلانی در قالب قیاسات عملی

قیاست	اهداف تربیت عقلانی
قیاس عملی ۲	مقدمه‌ی ۱ (باید آغازین): تربیت عقلانی باید بشر را به سعادت حقیقی برساند. مبنا ۲: تجلی معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات) مقدمه‌ی ۲ (گزاره‌ی واقع‌نگر): تجلی معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات) از عوامل سعادت بشر است. نتیجه (هدف): تجلی معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات) از اهداف تربیت عقلانی علامه است.
قیاس عملی ۳	مقدمه‌ی ۱ (باید آغازین): تربیت عقلانی باید عامل سعادت فرد باشد. مبنا ۳: سلوک بندگی تا مقام ولایت مقدمه‌ی ۲ (گزاره‌ی واقع‌نگر): سلوک بندگی تا مقام ولایت از عوامل سعادت فرد است. نتیجه (هدف): سلوک بندگی تا مقام ولایت از اهداف تربیت عقلانی است.
قیاس عملی ۴	مقدمه‌ی ۱ (باید آغازین): تربیت عقلانی باید باعث تعالی عاطفی بشر باشد. مبنا ۴: حب الهی و تجلیاتش مقدمه‌ی ۲ (گزاره‌ی واقع‌نگر): حب الهی و تجلیاتش باعث تعالی عاطفی بشر است. نتیجه (هدف): حب الهی و تجلیاتش از اهداف تربیت عقلانی بشر است.

اهداف تربیت عقلانی	قیاست
مقدمه‌ی ۱ (باید آغازین): تربیت عقلانی باید باعث تعالی اخلاقی بشر باشد. مبنا ۵: اخلاق فاضله مقدمه‌ی ۲ (گزاره‌ی واقع‌نگر): اخلاق فاضله عامل تعالی اخلاقی بشر است. نتیجه (هدف): اخلاق فاضله از اهداف تربیت عقلانی است.	قیاس عملی ۵
مقدمه‌ی ۱ (باید آغازین): تربیت عقلانی باید باعث سعادت اجتماع بشری شود. مبنا ۶: حاکمیت حق با مشارکت مردم مقدمه‌ی ۲ (گزاره‌ی واقع‌نگر): حاکمیت حق با مشارکت مردم از عوامل سعادت اجتماع بشری است. نتیجه (هدف): حاکمیت حق با مشارکت مردم از اهداف تربیت عقلانی است.	قیاس عملی ۶
مقدمه‌ی ۱ (باید آغازین): تربیت عقلانی باید باعث سعادت اجتماع بشود. مبنا ۷: توسعه توازن اجتماعی مقدمه‌ی ۲ (گزاره‌ی واقع‌نگر): توسعه توازن اجتماعی از عوامل سعادت اجتماع بشری است. نتیجه (هدف): توسعه توازن اجتماعی از اهداف تربیت عقلانی است.	قیاس عملی ۷
مقدمه‌ی ۱ (باید آغازین): تربیت عقلانی باید باعث سعادت اقتصادی جامعه بشود. مبنا ۸: شکوفایی اقتصادی مقدمه‌ی ۲ (گزاره‌ی واقع‌نگر): شکوفایی اقتصادی از عوامل سعادت اقتصادی جامعه است. نتیجه (هدف): شکوفایی اقتصادی از اهداف تربیت عقلانی است.	قیاس عملی ۸

قیاس عملی ۲:

محتوای قیاس عملی اولین بعد از حیات عقلانی علامه طباطبایی به شرح زیر است:

مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۲: اهداف تربیت عقلانی باید بشر را به سعادت حقیقی برساند.

مبنای ۲: تجلی معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات)

علامه معرفت حق را از اهداف اساسی خلقت انسان می‌داند، زیرا خداوند سرچشمه هستی تمام پدیده‌هاست و شناخت خداوند، روشنائی‌بخش دیده واقع‌بین انسان می‌شود و بی‌اعتنائی به این حقیقت، منشأ هر گونه نادانی و بی‌بصیرتی می‌شود و نهایتاً چراغ روشن وجدان انسان خاموش و از سعادت بازخواهد ماند (طباطبایی، ۱۳۸۷ ب: ۱۹۹). علامه با استناد به حدیثی از امیرالمؤمنین علی (ع) مراحل شناخت را پنج گام می‌داند که انسان‌ها به حسب استعداد خویش از مرحله‌ی ساده تا عالی

آن را بر مبنای ادراک خویش به فقر وجودی‌شان در برابر حق تعالی طی می‌کنند. از منظر علامه احتیاج اولین چیزی است که انسان آن را در ذات خویش و سراسر جهان مشاهده و حکم به وجود ذاتی می‌کند که حوایج را برآورده و وجود همه‌چیز به او منتهی می‌شود و آن ذات حق تعالی است که آیه شریفه (۱۵/فاطر) این ادراک را تصدیق می‌کند (همان، ۱۳۷۴، ج ۸: ۴۵۷)؛ بنابراین مرحله‌ی اول معرفت، ادراک فطری خداوند به‌عنوان خالق جهان و اعتراف به وجودش است. مرحله دوم، تصدیق حق تعالی است که انسان را به تعظیم در برابر عظمت و عبادتش وامی‌دارد (همان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۱). در مرحله سوم، انسان ادراک می‌کند که پدیدآورنده‌ی این عالم واحد و یکتاست و به‌تنهایی مرجع تمام عالم است و با وحدت خویش برآوردند تمام حوائج و تکمیل‌کننده همه نواقص است (همان، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۵۰). این مرحله اثبات یکتایی خداوند و نفی شرک است (همان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۲). پس از آن انسان در نهاد خود چنین می‌یابد که خداوند مالک علی‌الطلاق حقیقی تمام موجودات است یعنی هم دارای ملک (به کسر میم) و هم صاحب ملک (به ضم میم) است به این معنا که همه‌چیز از آن او و تحت فرمان اوست (همان، ۱۳۷۴، ج ۸: ۴۵۷) بر همین مبنا در چهارمین مرحله که اخلاص است، انسان از هر چیزی جز خدا علماً اعراض و هستی واقعی را انحصاراً از خدا می‌داند و یقین دارد که انسان جز خدا به هر چه دل بندد، جملگی باطل و بی‌اساس است (همان، ۱۳۸۷، ج ۱: ۲۱۲). آخرین مرحله این است که انسان خدا را دارای آن‌چنان هستی مطلق و منزله از هر گونه فقر و نقصی می‌شناسد که ایشان را از هر گونه مفاهیم ذهنی محدود هم بری می‌داند زیرا هر مفهومی در حد ذات خود محدود است بنابراین هنگامی که خدا وجود مطلق و بی‌قید باشد دیگر حدود مرزی و هیچ مفهومی بر او منطبق نخواهد بود و همین ناتوانی عقل از درک حق تعالی کمال معرفت و شناخت حق است (همان: ۲۱۴-۲۱۶).

مقدمه‌ی دوم قیاس عملی ۲: تجلی معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات) از عوامل سعادت بشر است.

نتیجه‌ی قیاس عملی ۲: تجلی معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات) از اهداف تربیت عقلانی علامه است.

بنابراین از اولین اهداف تربیت عقلانی معرفت حق است که به‌عنوان کمال عدالت اعتقادی محسوب می‌شود. عدالت اعتقادی به معنای ایمان آوردن به حق است که علامه آن را اولین قسم

عدالت می‌داند که باید در وجود افراد اجتماع تجلی یابد تا عدالت اجتماعی بر مبنای آن ظهور و تکمیل یابد. انسان با عدالت اعتقادی به ادراک فقر همه‌جانبه و ذاتی جهان هستی و وجود خویش در برابر خداوند پی برده و می‌تواند به مقام توحید در افعال، صفات و ذات نائل گردد. انسان سالک در ابتدایی‌ترین مرحله (توحید در افعال) افعال خویش و سایر موجودات (افعال وجودی) را فانی در فعل فاعل مستقل (خدای سبحان) بیند یعنی به عبارتی تمام عالم را تحت پوشش ربوبیت خداوند دانسته، خود و سایر موجودات، افعال و او صافشان را مهره‌هایی از افعال و او صاف فعلی خدای سبحان می‌داند و اعتماد به حق در وجودش ظهور می‌یابد. پس از این مرتبه، انسان به مرتبه‌ی توحید صفاتی (فنا‌ی صفاتی) می‌رسد به عبارتی او صاف خود و دیگران را فانی در او صاف ذات اقدس می‌داند، زیرا خدا دارای او صاف کمالی و نامحدود است و مسلماً در کنار صفت نامحدود، صفت دیگر نمی‌گنجد. در مرتبه‌ی آخر انسان به حقیقت و عمق دیگری به نام توحید ذاتی (فنا‌ی ذاتی) می‌رسد به این معنا که برای هیچ ذاتی استقلال و هستی جداگانه قائل نیست و تمام ذوات و وجودها را فانی در آن هست محض و ذات صرف می‌بیند؛ زیرا در برابر هستی نامحدود حق تعالی، هستی‌های دیگر فرض صحیح ندارد. وقتی نفس به این مرحله رسد، عالی‌ترین سیر ولایت نصیبش می‌شود زیرا برای خود و دیگران، هیچ ذاتی ندیده، بلکه تنها یک ذات را می‌بیند و آن خدای سبحان است. این فنا‌ی ذاتی همان کمال و عالی‌ترین درجه ولایت انسان است (طباطبایی، ۱۳۸۷ ج: ۶۳-۶۶) که عدالت اعتقادی را به اوج خود می‌رساند.

قیاس عملی ۳:

محتوای قیاس عملی دومین بعد از حیات عقلانی علامه طباطبایی به شرح زیر است:

مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۳: اهداف تربیت عقلانی باید عامل سعادت فرد باشد.

مبنای ۳: سلوک بندگی تا مقام ولایت

علامه سلوک بندگی (عبودیت) تا مقام ولایت را با استناد به آیه‌ی (۵۶/ذاریات) یکی از اهداف اساسی خلقت و رشد انسان می‌داند. ایشان غرض از خلقت را منحصرأعبادت می‌داند، یعنی غرض این بوده که خلق، عابد حقیقی خدا باشند و صاحب غرض به وسیله آن استکمال یابد و این کمال تنها برای فعل خداست، نه برای فاعل فعل که حق تعالی است (همان، ۱۳۷۴، ج ۵۸۰: ۱۸). علامه عبودیت را بر دو نوع تکوینی و تشریعی حمل می‌کند و عبودیت تکوینی با استناد به آیه‌ی

(۹۳/مریم) «همه‌ی صاحبان عقل از انس و جن و ملک همه ملک خدایند و خدا هم مالک تکوینی و به وجود آورنده ایشان است و به همین جهت همه بندگان او ذلیل و زیون حکم و قضای اویند، چه او را بشناسند چه نشناسند و چه اینکه تکالیفش را اطاعت کنند و چه اطاعت نکنند». بر همین اساس از آنجاکه خدای سبحان مالک تکوینی تمام عالم (ذات، صفات، احوال و اعمال) است جایز نیست که در مرحله عبودیت تشریعی کسی جز حق تعالی پرستش شود و لذا به بندگی دائمی آنان و عبودیتی که جمیع شئون زندگی ایشان را فراگیرد حکم کرده است (همان، ج ۶: ۴۹۰-۴۸۹).

مقدمه‌ی دوم قیاس عملی ۳: سلوک بندگی تا مقام ولایت از عوامل سعادت فرد است.

نتیجه‌ی قیاس عملی ۳: سلوک بندگی تا مقام ولایت از اهداف تربیت عقلانی است.

دومین هدف تربیت عقلانی سلوک بندگی تا مقام ولایت یا عدالت عملی است که انسان را به قرب حق تعالی رسانده و باید در وجود افراد اجتماع به تناسب ظرفیت وجودی‌شان تجلی یابد تا زمینه‌ی شکل‌گیری عدالت اجتماعی به معنای وسیع فراهم گردد. سلوک بندگی (عبودیت) شامل پنج مرحله است. مرحله اول شهادتین ربانی همراه با پذیرفتن ظواهر اوامر و نواهی الهی است، مرحله دوم انقیاد و تسلیم قلبی به اعتقادات حقه تفصیلی و اعمال صالح است. مرحله سوم نفس آدمی متخلق به اخلاق می‌شود و خدا را آن‌چنان بندگی می‌کند گویی تنها حق تعالی را می‌بیند. در مرحله چهارم انسان متعبد شامل عنایت ربانی شده و برایش مشهود می‌گردد که ملک تنها مختص خداوند است و هیچ‌چیزی در برابر حق تعالی مالکیت مستقل ندارد. مرحله‌ی آخر انسان به مقام اولیای خدا نائل و به این یقین می‌رسد که تمام اسباب، سببیتش به اذن خداست آنگاه دیگر از هیچ پشامد ناگواری اندوهگین نشده و از هیچ‌چیزی نمی‌ترسد (همان، ج ۱: ۴۵۵-۴۵۷). در این مرحله خداوند هم بندگی عابد را پذیرفته، خودش متولی امور او می‌شود، همان‌گونه که یک مالک امور بندگان خود را عهده‌دار می‌شود و عبودیت، کلید ولایت‌خداایی است (همان، ج ۱: ۴۱۹).

قیاس عملی ۴:

محتوای قیاس عملی سومین بعد از حیات عقلانی علامه طباطبائی به شرح زیر است:

مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۵: اهداف تربیت عقلانی باید باعث تعالی عاطفی بشر باشد.

مبنای ۵: حب الهی و تجلیاتش

علامه معتقدند حب «تعلق و ارتباط وجودی بین محب و محبوب و یا به عبارتی انجذاب بین علت مکمل و بین معلول مستکمل» است و به سه قسم طبیعی، خیالی و عقلی تقسیم می‌شود، بنابراین ایشان محبت را دارای مراتب مختلفی می‌داند که شدت و ضعف دارد و این گونه استدلال می‌کند که محبت رابطه‌ای وجودی است (وجود، حقیقتی مشکک (دارای مراتب) است) و بر همین اساس رابطه وجودی بین علت تامه با معلولش، با رابطه بین علت ناقصه، با معلولش یکسان و دارای یک مرتبه نیست و شدت و ضعف دارد. علامه تنها حب حقیقی عاقلانه را عشق بین حق تعالی و انسان می‌داند. ایشان تبیین می‌کند که انسان باید به این درک برسد که تنها حق تعالی شایستگی دوست داشته شدن را دارد زیرا هستی‌اش به ذات خود بوده، کمالش غیرمتناهی است و هر کمال دیگری متناهی و وجودش متعلق به خداوند است، همچنین ذات اقدس خالق است که همواره بر او انعام می‌کند و این ادراک حبی ذاتی را نتیجه می‌دهد که به خداوند همواره عشق می‌ورزد. همچنین از آنجا که حب رابطه‌ای وجودی و روابط وجودی، خارج از وجود موضوعات خود نیست، هر چیزی ذات خود و متعلقاتش (آثار وجودی‌اش) را دوست دارد، بنابراین خدای سبحان ذات خویش و خلق خود را به‌ویژه بدین جهت که انعام و هدایت او را می‌پذیرند، دوست دارد (همان: ۶۲۱-۶۲۰)؛ بنابراین حب حقیقی بین خداوند و تمام هستی از جمله انسان جاری است و انسان باید حب حقیقی حق تعالی را در تمام وجود خویش متجلی سازد تا به تعالی برسد.

مقدمه‌ی دوم قیاس عملی ۵: حب الهی و تجلیاتش باعث تعالی عاطفی بشر است.

نتیجه‌ی قیاس عملی ۵: حب الهی و تجلیاتش از اهداف تربیت عقلانی است.

حب الهی و تجلیاتش سومین هدف تربیت عقلانی است که عدالت عاطفی را در وجود شخص برقرار می‌سازد به عبارتی با تمرکز عشق بر محبوب حقیقی عواطف انسان تعدیل و عاملی در جهت رفتار متعادل انسان در جامعه و زیربنای برقراری عدالت اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود. بر همین اساس حب تنها عاملی است که می‌تواند بین محب و محبوب حقیقی برقرار شود و نقص محب به واسطه‌ی آن برطرف و وجودش کامل گردد. ولیکن این حب تنها با عمل به فرامین الهی حاصل می‌گردد زیرا تنها حبی که در عمل نمود یابد حب حقیقی است که رضایت و حب محبوب را هم در پی خواهد داشت و این بالاترین مرتبه است. لازم به ذکر است این حب حقیقی باید با ناموس حب حاکم در عالم وجود، هماهنگ باشد، چون دوست داشتن هر چیز مستلزم دوست

داشتن همه متعلقات آن است و باعث می شود که انسان در برابر هر چیزی که در جانب محبوب است تسلیم باشد (همان، ج ۳: ۲۴۸).

قیاس عملی ۵:

محتوای قیاس عملی چهارمین بعد از حیات عقلانی علامه طباطبائی به شرح زیر است:
مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۴: اهداف تربیت عقلانی باید باعث تعالی اخلاقی بشر باشد.

مبنای ۴: اخلاق فاضله

علامه ذات آدمی را ترکیبی از سه قوه‌ی سه گانه‌ی شهویه، غضبیه، نطقیه فکریه می داند و معتقدند که تمامی اعمال و افعال انسان، از این قوانینشأت می گیرد. وی تبیین می کند که از قوه‌ی شهویه افعالی برای جلب منافع و از قوه‌ی غضبیه افعالی برای دفع مضرات و از قوه‌ی نطقیه فکریه افعالی ذهنی ناشی از تصور و تصدیق فکری، صادر می گردد (همان، ج ۱: ۵۵۸). اتحاد قوای مذکور یک وحدت ترکیبی را شکل داده که آدمی را به سعادت حقیقی اش می رساند. لذا برای انسان ضرورت دارد که قوای سه گانه را به گونه‌ای مدیریت کند تا به افراط و تفریط کشیده نشود و از حدود میانه عدول نکند و منحرف نگردد، زیرا در صورت انحراف هریک از قوا، هستی انسان خاصیتش را از دست داده و به غایت حقیقی اش سعادت، نخواهد رسید. بر همین مبنا حد اعتدال قوه شهویه، غضبیه و فکریه این است که از افراط و تفریط آن ها جلوگیری و تنها درجایش به کار بسته شود (کمیتی و کیفیتی) در این صورت از قوه‌ی شهویه فضیلتی به نام عفت و از قوه‌ی غضبیه، شجاعت و از قوه‌ی فکریه، حکمت حاصل می شود. در صورتی که سه فضیلت مذکور در انسان جمع گردد، ملکه چهارمی به نام عدالت در وجود آدمی حاصل می شود (همان: ۵۵۹-۵۶۰) که همان اخلاق فاضله است (همان، ج ۵: ۴۳۸).

مقدمه‌ی دوم قیاس عملی ۴: اخلاق فاضله عامل تعالی اخلاقی بشر است.

نتیجه‌ی قیاس عملی ۴: اخلاق فاضله از اهداف تربیت عقلانی است.

اخلاق فاضله چهارمین هدف تربیت عقلانی و نتیجه‌ی عدالت خلقی است که انسان را به سعادت حقیقی اش می رساند (همان، ج ۱۲: ۴۷۸) زیرا انسان همان نفسی است که باید قوای سه گانه را تسخیر کند یعنی قوای خویش را تنها در مسیر سعادت زندگی دنیوی و اخروی به کار گیرد (همان، ج ۵: ۴۳۸). بر همین اساس افراد بشریت باید با کسب اخلاق فاضله به عدالت در قوای

سه گانه و کمال انسانی شان برسند تا با قرارگیری انسان های معتدل در ابعاد مختلف اجتماع عدالت اجتماعی به ویژه در بخش کارگزاری (کارگزاران اصلح، باتقوا و معتدل) برقرار گردد.

قیاس عملی ۶:

محتوای قیاس عملی پنجمین بعد از حیات عقلانی علامه طباطبایی به شرح زیر است:

مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۶: اهداف تربیت عقلانی باید باعث سعادت اجتماع بشری شود.

مبنای ۶: حاکمیت حق با مشارکت مردم

علامه حکومت و ولایت را از اعتباریاتی می‌داند که انسان‌ها فطرتاً ضرورت آن را اعتبار و درک می‌کنند که باید نیرویی جهت اداره و تدبیر امور نظام جامعه (همان، ج ۱: ۳۵) و شخصی در رأس آن باشد تا جامعه را سرپرستی و اراده‌های متفرق اجزای جامعه را یکجا متمرکز کند و جامعه به گونه‌ای مدیریت شود تا همه اعضای جامعه بدون هیچ مانعی به کمال شایسته (سعادت مادی و معنوی) خویش برسند و این تنها در سایه‌ی حکومت اسلامی، توسط حاکمی عادل با قوانین عادلانه فراهم خواهد شد. والی و حاکم جامعه اسلامی نبی و دوازده امام است ولیکن حاکم اسلام بعد از غیبت آخرین امام بر عهده مسلمانان است تا در چارچوب دین وی را با چند ویژگی اساسی: علم همه‌جانبه به مصالح و مفاسد زندگی اجتماعی، نیروی جسمانی کافی برای اجرای مصالح جامعه (همان، ج ۲: ۴۳۶)، حکومت طبق سیره، حافظ احکام اسلام، مشورت با عقلا در موارد عدم وجود حکم الهی معین سازند (همان، ج ۴: ۱۹۶). اجتماع اسلام هنگامی به طور کامل تحقق می‌یابد که قوانینش در بین افراد بشر حکومت و اعضای جامعه ملزم به رعایت و حفظ آن باشند (همان، ج ۱۰: ۳۸۹). این قوانین عادلانه دو گونه است: ۱- قوانین ثابت اعتقادی، اخلاقی و احکام که منطبق بر مراحل کمال انسان و تغییرناپذیر است (همان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۸۰). ۲- قوانین متغیر که با اختلاف سبک زندگی و مصالح اجتماع از جانب ولی امر در شعاع قوانین ثابت معین می‌گردد (همان: ۸۲). این قوانین بین مرحله کمال و نقص بشر فاصله شده که انسان را به سوی هدف غایی وجودش سوق می‌دهد.

مقدمه‌ی دوم قیاس عملی ۶: حاکمیت حق با مشارکت مردم از عوامل سعادت اجتماع بشری

است.

نتیجه‌ی قیاس عملی ۶: حاکمیت حق با مشارکت مردم از اهداف تربیت عقلانی است.

حاکمیت حق با مشارکت مردم پنجمین هدف تربیت عقلانی است که می‌تواند عدالت سیاسی را به معنای وسیع آن عملی سازد. عدالت سیاسی تنها در سایه‌ی حکومت اسلامی برقرار می‌شود زیرا تنها نوع حکومتی است که بر پایه‌ی عدالت تشکیل و حاکم حقیقی آن خداوند است، در چنین جامعه‌ای تمام انسان‌ها از حقوق برابری برخوردارند، هیچ‌کس بر دیگری برتری ندارد و «از آنجاکه جامعه از مردم تشکیل یافته پس باید اختیارش هم به دست ایشان باشد و همگی در مسئولیت امر جامعه باهم برابر باشند» (همان، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۹۴) به این معنا که اعضای جامعه می‌توانند طبق اصل مردم‌سالاری دینی در امر تأسیس حکومت اسلامی، تعیین مسئولان و امر قانون‌گذاری (همان، ج ۱: ۲۷۹) در حیطه‌ی ضوابط الهی مشارکت و مورد مشورت قرار گیرند و همچنین طبق قاعده‌ی امر به معروف و نهی از منکر (همان، ج ۳: ۵۷۸) بر حکومت نظارت داشته باشند بنابراین حکومت خداوند بر مردم به وسیله‌ی مردم و خواست ایشان عملی می‌گردد و این عین عدالت سیاسی است.

قیاس عملی ۷:

محتوای قیاس عملی ششمین بعد از حیات عقلانی علامه طباطبائی به شرح زیر است:

مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۷: اهداف تربیت عقلانی باید باعث سعادت اجتماع بشود.

مبنای ۷: توسعه توازن اجتماعی

از منظر علامه حیات و کار اجتماع مجموع حیات و کار تک‌تک افراد اجتماع است، به همین دلیل سعادت و شقاوت اجتماع عبارت است از مجموع آنچه در افراد است؛ بنابراین اجتماع حقیقتاً یک انسان بزرگ است که تمام حوائج و اغراض یک انسان را چه بسا بسیار بیشتر داراست زیرا هر چیزی که عامل و غرض آن (سعادت کل افراد جامعه) بزرگ‌تر باشد، عملی بزرگ‌تر می‌خواهد (همان، ج ۹: ۲۴۹)؛ بنابراین علامه اجتماع را همانند فرد، یک شخصیت واحد و حقیقی دارای فهم، اراده و عمل در مقیاس وسیع می‌داند (همان، ج ۴: ۱۵۲). باین حال علامه هر دو ساحت فردی و اجتماعی را دارای حیات، هویت مستقل و اصالت می‌داند و معتقد است این دو ساحت دارای یک رابطه حقیقی سازمان‌یافته و تنگاتنگ‌اند، به عبارتی ایشان از یک منظر اصالت فردی‌اند زیرا وجود افراد اجتماع را حل‌شده در وجود جامعه ندانسته و برای جامعه وجودی یگانه مانند مرکبات شیمیایی قائل نیست و از منظر دیگر اصالت اجتماعی است زیرا نوع ترکیب افراد را از نظر مسائل

روحی، فکری و عاطفی دارای ترکیب خاص می‌داند که در آن جامعه از حیات مستقل از حیات فردی برخوردار بوده و درعین حال این حیات جمعی وجود جدایی ندارد و در افراد پراکنده و حلول کرده است (همان: ۱۳۸؛ همان، ۱۳۸۸: ۲۰۱)؛ بنابراین این گونه می‌نماید که سعادت فرد در گرو سعادت جامعه و سعادت جامعه در گرو سعادت افراد آن است، علامه معتقدند «اصل در سعادت و خوشبختی انسان به حسب آفرینش، سعادت فرد است و سعادت اجتماع فرع آن است». باین حال می‌توان گفت از آنجا که اجتماع از غرض والاتری برخوردار است (سعادت کل جامعه بشری) بنابراین همواره در اسلام سعادت جامعه به عنوان یک کارخانه‌ی انسان‌سازی همواره مورد توجه بوده است و می‌توان گفت سعادت اجتماع، هدف واسطه‌ای و زمینه‌ساز برای هدف غایی و والاتر یعنی سعادت حقیقی مجموع افراد اجتماع است (همان، ۱۳۸۸، ج ۱: ۲۹)؛ و سعادت مجموع افراد اجتماع «همان سعادت روح و سعادت جسم توأمان است یعنی به عبارتی سعادتش در آن است که از یک سو از نعمت‌های مادی برخوردار شود و از سوی دیگر جانش با فضائل اخلاقی و معارف حقه الهیه آراسته گردد» (همان، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶۵) که جامعه صالح با سازمان مشخص خود (از قوانین، ساختارها و مسئولان) می‌تواند سعادت افراد جامعه را در دو بعد مادی و معنوی فراهم سازد و به نیازهای وجودی انسان‌ها پاسخی مناسب دهد و افرادی صالح را تحویل جامعه‌ی انسانی دهد.

مقدمه‌ی دوم قیاس عملی ۶: توسعه توازن اجتماعی از عوامل سعادت اجتماع بشری است.

نتیجه‌ی قیاس عملی ۶: توسعه توازن اجتماعی از اهداف تربیت عقلانی است.

توسعه‌ی توازن اجتماعی ششمین هدف تربیت عقلانی است که در سایه‌ی عدالت اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود. علامه مقصود از عدالت اجتماعی را این می‌داند که با هر کدام از اعضای جامعه به گونه‌ای رفتار شود که استحقاق آن را دارد و درجایی قرار گیرد که سزاوار آن جایگاه است. ایشان معتقدند عدالت اجتماعی باید در دو ساحت فردی و حکومتی مورد توجه قرار گیرد، به عبارتی هم باید هر کدام از اعضای جامعه مأمور به اقامه آن باشند و هم جامعه که حکومت عهده دار زمام آن است (همان، ج ۱۲: ۴۷۹). بر همین مبنا عدالت اجتماعی آن است که مردم و حکومت اولاً نسبت به حقوق دیگران افراط و تفریط روا ندارند و ثانیاً قوانین حکومت به گونه‌ای باشد که همه در برابر آن مساوی باشند و همچنین در اجرای مقررات دینی از حق تجاوز نکنند و

تحت تأثیر عواطف و احساسات قرار نگرفته از راه راست منحرف نشوند (طباطبائی، ۱۳۸۷ ب: ۲۲۵). علامه همچنین ابعاد عدالت اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که مقتضای تساوی در حقوق، که عدالت اجتماعی به آن حکم می‌کند این نیست که تمام مقام‌های اجتماعی در جامعه متعلق به همه‌ی اعضای آن گردد و این گونه استدلال می‌کند که امکان ندارد انسان‌ها با استعدادهای (عقلی، بدنی و...) متفاوت و تجارب گوناگون مستحق یک جایگاه گردند با توجه به اینکه هر جایگاهی انسانی با قابلیت‌های خاص خودش را می‌طلبد و عدم توجه به این مهم، باعث فساد حال افراد گشته و انسانیتشان را تباہ می‌سازد. «آنچه عدالت اجتماعی اقتضا دارد و معنای تساوی را تفسیر می‌کند این است که در اجتماع هر صاحب حقی به حق خود برسد و هر کس به قدر وسعش پیش برود نه بیش از آن... بدون اینکه حقی مزاحم حق دیگری شود... به انگیزه دشمنی و یا تحکم و زورگویی یا هر انگیزه دیگر به کلی مهمل و نامعلوم گذاشته شود و یا صریحاً باطل شود» (همان، ۱۳۷۴، ج ۲: ۴۱۴). پس مقصود از تساوی در حقوق این است که همه‌ی افراد بشر در استحقاق رعایت شدن حقوق واجیشان (چه کم و چه زیاد) یکسان بوده و حقوق تمامی افراد در هر سطحی محترم و محفوظ است گر چه آن حقوق به نسبت اختلاف و ارزش اجتماعی افراد جامعه متفاوت باشد. لیکن این سخن به این معنا نیست که تمامی افراد بشر (چه آن فرد شریفی که وجودش برای جامعه مفید است و چه آن کسی که اصلاً صلاحیت ندارد که جزئی از مجتمع شمرده شود) در همه حقوق مساوی باشند، زیرا یکی نافع و دیگری مضر و سم مهلکی برای جامعه است و حیات جامعه را به مخاطره می‌اندازد و مسلماً فطرت انسانی صریحاً حکم بر آزادی کامل (بدانند اراده و عمل را کجا به کار برند) فرد نافع و سلب آزادی فرد مضر می‌دهد (همان، ج ۶: ۵۱۲) علامه همچنین مقصود از تساوی در قانون‌گذاری را این می‌داند که «تمامی افراد و اجزای اجتماع در هر حکمی برابر و مساوی باشند و در نتیجه احکامی که علیه آنان است برابر باشد با احکامی که به نفع ایشان است». البته وی تأکید می‌کند این تساوی را با حفظ وزنی که افراد در اجتماع دارند باید مراعات کرد، آن شخصیتی که در رشد و استکمال جامعه در موقعیت‌های گوناگون حیات اجتماعی نقش مؤثرتری نسبت به شخصیتی که آن اثر مثبت را ندارد، باید متفاوت باشد (همان، ج ۲: ۳۴۹). در جامعه‌ای که عدالت اجتماعی برقرار شود، بشر می‌تواند در زیر سایه‌ی چنین جامعه‌ای تحت تربیت صالح قرار گیرد و به سعادت حقیقی برسد. (همان، ج ۴: ۱۸۸).

قیاس عملی ۸:

محتوای قیاس عملی هفتمین بعد از حیات عقلانی علامه طباطبایی به شرح زیر است:
مقدمه‌ی اول قیاس عملی ۷: اهداف تربیت عقلانی باید باعث سعادت اقتصادی جامعه بشود.

مبنای ۷: رشد اقتصادی

علامه "اقتصاد" را «به معنای میانه‌روی در امور و پرهیز از افراط و تفریط» می‌داند (همان، ج ۶ ص: ۵۴). ایشان در ذیل آیه شریفه ۵/نساء به توسعه‌ی اقتصادی اشاره و بیان می‌کند «مال» ملک حقیقی حق تعالی است که آن را برای قوام، معاش و بقای حیات جامعه انسانی قرار داده است (همان، ج ۴: ۲۷۳) به عبارتی علامه جامعه را دارای شخصیت واحدی می‌داند که مالک تمام اموال زمین است و حق تعالی زندگی این شخصیت واحد را به واسطه‌ی این اموال تأمین و آن را رزقش کرده، پس جامعه باید به اداره‌ی امر آن مال پردازد یعنی توسعه و رشدش دهد تا روزانه بیشتر گردد و برای تمام افراد جامعه کفایت کند، بنابراین جامعه باید در ارتزاق با مال اقتصاد را پیشه خود سازد و از فساد و ضایع ساختنش جلوگیری کند. ایشان حیات اجتماع را به حدی دارای اهمیت می‌داند که در صورت تراحم بین مالکیت فردی و جمعی اولویت را با رعایت مصالح جمعی و حفظ اموال عمومی می‌داند (همان: ۲۷۱). بر همین اساس اسلام احتکار پول را عامل لغویت ارزش اشیاء و بی‌اثر شدن پول برمی‌شمارد زیرا این عمل را عامل تعطیلی و رکود بازار دانسته که حیات جامعه را متوقف می‌کند ولی عدم احتکار پول، بازار اجتماع را زنده نگه‌داشته و معاملات را به جریان می‌اندازد و می‌توان از آن در اصلاح شئون مختلف زندگی و برطرف ساختن احتیاجات ضروری جامعه از جمله کمک به فقیران، افزایش سود کاسبان و کارگران، ازدیاد سرمایه، معالجه بیماران، آزاد ساختن اسیران، نجات بدهکاران، دفاع از حریم کشور و اصلاح مفاسد اجتماعی بهره برد (همان، ج ۹: ۳۵۱-۳۵۰) تا جامعه به سعادت برسد.

مقدمه‌ی دوم: رشد اقتصادی از عوامل سعادت اقتصادی جامعه است.

نتیجه: رشد اقتصادی از اهداف تربیت عقلانی است.

آخرین هدف تربیت عقلانی رشد اقتصادی است که تنها در سایه‌ی عدالت اقتصادی حاصل می‌شود. علامه در تفسیر آیه ۲۵/حدید به بیان اقتصاد مبتنی بر عدالت و توزیع عادلانه ثروت می‌پردازد و تأکید دارند که باید نظام حاکم و مردم در عملی کردن به آن اهتمام ورزند. علامه معتقدند

مقصود خداوند در انزال ترازو این است که مردم را به عدالت در معاملات سفارش کند تا دچار خسران و ضرر نشوند به این معنا که اختلال در وزن‌ها ایجاد نشود و نسبت بین اشیاء محفوظ گردد زیرا قوام زندگی بشر منوط به اجتماع عادلانه و قوام اجتماع عادلانه به معاملات و مبادلات عادلانه است که در اجتماع برقرار است (همان، ج ۱۹: ۳۰۱) بنابراین علامه عدالت اقتصادی را مهم‌ترین عاملی می‌داند که قوام جامعه انسانی را ضمانت و آن را به سعادت حقیقی‌اش می‌رساند و در صورت عدم توجه به آن، جامعه به دو قطب فقیر و ثروتمند تقسیم شده، قطب اول وادار به اختلاس اموال سایرین و قطب دوم با ثروت انباشته به اسراف و بی‌بندوباری در شهوات می‌پردازد و این مفاسد هر یک به اندازه خود تأثیر مستقیمی در اختلال نظام بشری دارد. درحالی که نظام «باید حیات اموال و جمع‌آوری ثروت و احکام مجعول برای تعدیل جهات مملکت و جدا ساختن آن از خوردن مال به باطل را ضمانت کند» (همان، ج ۹: ۳۳۱، ۳۳۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف پژوهش حاضر دست یافتن به راه‌حل‌های کاربردی برای حل مسئله‌ی عدالت اجتماعی در جامعه‌ی ایران است بر همین اساس سعی شد تا با استفاده از اهداف تربیت عقلانی علامه طباطبایی (ره) به این مسئله پاسخ داده شود. نتایج تربیتی این پژوهش حاکی از آن است که از دیدگاه علامه: ۱- اولین هدف تربیت عقلانی تجلی معرفت حق در سیر مقامات توحیدی (افعال، صفات و ذات) برای دستیابی به عدالت اعتقادی (ایمان به حق) است. ۲- دومین هدف تربیت عقلانی سلوک بندگی تا مقام ولایت است که عدالت عملی را در وجود انسانی به کمال می‌رساند. ۳- سومین هدف تربیت عقلانی حب الهی و تجلیات آن است که عدالت عاطفی را در وجود انسان تجلی می‌سازد. ۴- چهارمین هدف تربیت عقلانی کسب اخلاق فاضله و کمال عدالت فردی است. ۵- پنجمین هدف تربیت عقلانی حاکمیت حق با مشارکت مردم است که عدالت سیاسی را به معنای وسیع آن در حکومت اسلامی عملی می‌سازد زیرا همگی اعضای جامعه می‌توانند در امر تأسیس حکومت الهی، تعیین مسئولان، قانون‌گذاری، نظارت بر مسئولان و... در حیطه‌ی ضوابط الهی مشارکت کنند. ۶- ششمین هدف تربیت عقلانی توسعه‌ی توازن اجتماعی

است که در سایه‌ی عدالت اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود یعنی هرکدام از اعضای جامعه در جایگاهی قرار می‌گیرد که سزاوار آن است ۷- آخرین هدف تربیت عقلانی رشد اقتصادی است که تنها در سایه‌ی عدالت اقتصادی یعنی توزیع عادلانه ثروت حاصل می‌شود.

لازم به ذکر است که وجوهای تمایز و تشابه پژوهش حاضر با مقالات پیشین به شرح زیر قابل تبیین است: در مقاله‌ی عشوری و خوشناموند (۱۴۰۱) دستیابی به ایمان به معنای شناخت خداوند، اعتقاد قلبی و التزام عملی به دستورات الهی به عنوان یکی از اهداف کلی تربیت عقلانی لحاظ شده است ولیکن در مقاله‌ی حاضر معرفت حق تعالی، سلوک بندگی و عشق به حق تعالی به عنوان سه هدف مجزای تربیت عقلانی با تفصیل مجزا مورد توجه قرار گرفته است، همچنین به نظر پژوهنده دستیابی به علم نافع از اصول تربیت عقلانی است ولی در مقاله‌ی مذکور به عنوان یکی از اهداف کلی تربیت عقلانی شهید مطهری استنتاج شده است. عادل زاده نایینی، نوروزی و رحمانی (۱۴۰۱) در مقاله‌ی «تدوین مدل تربیت عقلانی فارابی با تأکید بر عقل عملی» به دنبال ایجاد یک مدل تربیت عقل عملی بوده‌اند ولی در پژوهش حاضر تمرکز بر اهداف تربیت عقلانی در هر دو بعد حقیقی و اعتباری بوده است که مسلماً اهداف استخراجی را بسیار گسترده‌تر کرده است، همچنین اهدافی چون ایجاد فضایل اخلاقی، ساختن شخصیت معتدل و تحقق مدینه فاضله با سه مورد از اهداف تربیت عقلانی شامل کسب فضایل اخلاقی و توسعه‌ی اجتماعی از منظر علامه طباطبایی در مقاله‌ی حاضر همپوشانی گسترده‌ای دارد. اهداف تربیت عقلانی در مقاله‌ی حاضر از جامعیت بیشتری نسبت به غایات مطرح شده در مقاله‌ی غلامی، نوروزی، حیدری و سپاهی (۱۴۰۱) برخوردار است زیرا مراقبه، پرورش قابلیت خودشناسی و تعقل ورزی از اصول و روش‌های تربیت عقلانی می‌باشد ولیکن در این مقاله با عنوان غایات مطرح گردیده است. مقاله‌ی حاضر همانند مقاله‌ی براتی و نوروزی (۱۴۰۰) به تبیین نقش اهداف تربیت عقلانی باهدف حل یکی از مسائل اجتماعی پرداخته است. در مقاله‌ی مذکور شناخت و اتصال به لوگوس، درک اجتماعی و تخلق به اخلاق نیکو از اهداف غایی تربیت عقلانی است که با غایت معرفت حق و سلوک بندگی، توسعه‌ی توازن اجتماعی و کسب اخلاق فاضله در مقاله‌ی حاضر همپوشانی معنایی دارد ولی در مقاله‌ی حاضر اهداف ذکر شده تنها با نگاه توحیدی، در محدوده‌ی دین الهی و با نظریه‌ی مردم‌سالاری

دینی و عدالت اجتماعی باهدف سعادت دنیوی و اخروی معنا می‌یابد به فرض مثال کسب اخلاق فاضله در مقاله‌ی مذکور صرفاً باهدف ارزشمندی فضایل اخلاقی مدنظر قرار می‌گیرد ولیکن در نگاه اسلامی با توجه به خداوند و عواقب اخروی معنا می‌یابد. هال (۲۰۲۱) در مقاله‌ی خود تنها هدف مناسب آموزشی برای کودکان را آموزش تفکر انتقادی و عقلانی به کودکان به منظور تقویت خودگردانی ایشان در دو بعد باورها و اهداف دانسته‌اند در صورتی‌که در مقاله‌ی حاضر به اهداف کلان تربیت عقلانی با محوریت عدالت اجتماعی پرداخته و به آموزش اختصاصی کودکان نپرداخته است. کوهن (۲۰۰۵) در کتاب خود بر آموزش تفکر منطقی و مؤلفه‌های اندیشیدن منطقی تأکید کرده‌اند ولی در پژوهش حاضر به اهداف کلی پرداخته و آموزش تفکر منطقی در بخش اصول تربیت عقلانی قابل تبیین و بررسی است. لیمن (۲۰۰۳) در کتاب خود بر روش آموزش فلسفه برای انتقال مفاهیم و ارزش‌ها به دانش آموزان تأکید می‌کند، این روش از روش‌های ضروری برای تحقق معرفت حق در حیطه‌ی فلسفه‌ی اسلامی است بر همین اساس وجه تمایز اصلی این کتاب با پژوهش حاضر نداشتن چارچوب اسلامی و تأکید بر روش است. به صورت کلی می‌توان گفت با بررسی نتایج حاصل از پژوهش با پژوهش‌های پیشین این گونه تبیین کرد که اولین وجه تمایز اصلی این پژوهش با سایر پژوهش‌های حیطه‌ی اهداف تربیت عقلانی این است که مقاله‌ی حاضر به دنبال تبیین نقش اهداف تربیت عقلانی در حل مسئله‌ی عدالت اجتماعی است ولیکن در هیچ‌کدام از مقالات پیشین حل مسئله‌ی عدالت اجتماعی منظور نشده است.

در پایان پیشنهادهای پژوهشی در حوزه‌ی نظری و کاربردی به شرح زیر ارائه می‌شود. در حوزه‌ی نظری باید ۱- پژوهش‌هایی جامع در رابطه با نظریه‌ی عدالت اجتماعی از منظر قرآن، روایات و اندیشمندان جهان اسلام انجام شود تا به یک نظریه‌ی جامع در این حیطه دست یابند. ۲- پژوهش‌هایی در رابطه با موانع عدم اجرای عدالت اجتماعی در جامعه ایران انجام شود، ۳- پژوهش‌هایی درباره‌ی ارتباط عقلانیت با عدالت اجتماعی از منظر اندیشمندان اسلامی انجام گردد. ۴- پژوهش‌هایی در رابطه با مبانی، اهداف و روش‌های تربیت عقلانی برای حل مسئله عدالت اجتماعی ایران با توجه به موانع پژوهش شده انجام گیرد. در حوزه‌ی کاربردی باید ۱- در تدوین کتب درسی مفاهیم ارزشی عدالت اجتماعی (در تمام ابعاد) با روش‌های تربیت عقلانی در

حیطه‌های چندگانه‌ی عقلانیت (اعتقادی، عملی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...) بر مبنای سطح ادراکی دانش آموزان هر سه سطح ابتدایی، متوسطه‌ی اول و متوسطه‌ی دوم آموزش داده شود، به همین منظور باید در دوره‌ی ابتدایی با استفاده از ادبیات داستانی، شعر، بازی، آثار هنری، چند رسانه و ... انتقال مفاهیم ارزشی عدالت اجتماعی انجام گیرد و سپس در سطوح بالاتر با توجه به رشد عقلانی دانش آموزان انتقال مفاهیم در قالب پروژه، ادبیات داستانی نوجوان و جوان ... در تمام کتاب‌های درسی مورد ملاحظه قرار گیرد. ۲- باید در تربیت دانشجو معلمان، ایشان با چگونگی انتقال مفاهیم عدالت اجتماعی و درونی سازی آن با روش‌های تربیت عقلانی در سطوح مختلف تحصیلی آشنا گردند و ارزیابی‌های دقیق برای به کارگیری ایشان انجام گیرد. ۳- باید فضاسازی مدارس و مراکز فرهنگی به عنوان نمونه‌ای کوچک از جامعه‌ی آرمانی عادلانه به گونه‌ای باشد که زمینه را برای تربیت انسان‌هایی معتدل در تمام ابعاد وجودی فراهم سازد.

Referenc

قرآن کریم

- Adelzadeh Naeini, Fariba; Nowrouzi, Reza Ali; Rahmani, Jahanbakhsh (1401), The model of rational education from Farabi's perspective with emphasis on practical reason, *New Educational Thoughts*, Vol. 18, No. 3, pp. 119-141. [In Persian]
- Alizadeh, H., & Sharifi, A. (2023). Toward a societal smart city: Clarifying the social justice dimension of smart cities. *Sustainable Cities and Society*, 95, 104612.
- Ashuri, Maryam; Khoshnamond. Mohsen (1401). Analysis of the foundations, goals, principles and methods of rational education from the perspective of Shahid Motahari (for the formal education system). *Research in Islamic education issues*. No. 56. 317-348. [DOR: 20.1001.1.22516972.1401.30.56.9.8](https://doi.org/10.1001.1.22516972.1401.30.56.9.8) [In Persian]
- Avicenna, (1989), *Translation and Explanation of Hints and Warnings*, Hassan Malek Shahi, Tehran, Soroush. Vol. 1. [In Persian]
- Avicenna, Hossein Ibn Abdullah (1989), *Al-Shifa (Theology)*, revised by Saeed Zaid, Qom, Maktaba Ayatollah Al-Dhammi Mar'ashi Al-Najafi. [In Persian]
- Avicenna, Hossein Ibn Abdullah (1989), *Al-Shifa (Theology)*, revised by Saeed Zaid, Qom, Maktaba Ayatollah Al-Dhammi Mar'ashi Al-Najafi. [In Persian]
- Bagheri, Khosrow (2000). *Approaches and Methods of Research in the Philosophy of Education*, Tehran: Cultural and Social Studies Research Institute. [In Persian]
- Barati, Maryam; Norouzi, Reza Ali; Sepahi, Mojtaba (1402) Social justice based on practical rationality from the perspective of Allameh Tabatabaei (RA), *Islam and Social Studies*, Vol. 11, No. 2(44), pp. 30-59. [In Persian]
- Barati, Maryam; Nowrozi, Reza Ali (1991), *The Goals of Rational Education in the Logos-Centered Thought of Heraclitus*, *History of Philosophy*, Vol. 1, Vol. 12, pp. 121-140. [In Persian]
- Barnejkar, Reza; Seyyed Bageri, Seyyed Kazem; Norouzi, Abuzar (2017), A study of the position of freedom and moral justice in the scope of Islamic social justice, *Biological Ethics*, Vol. 7, No. 24, 23-36. [In Persian]
- Farabi, Abu Nasr (1405 AH), *Al-Jum'a bin Ray al-Hakimin*, Tehran: Al-Zahra.
- Farabi, Abu Nasr (1983), *Treatise on the Meanings of Reason*, researched by Morris Bridge. Beirut: Dar al-Mashreq. [In Persian]
- Fawzi, Yahya; Firoozi, Ayatollah. (2019). Challenges and strategies for realizing social justice based on the method of layered analysis of causes, *Contemporary Political Essays*, Vol. 11, No. 2, 119-148. [In Persian]
- Franklin-Hall, A. (2022). Teaching children how to think: rational autonomy as an aim of liberal education. *Journal of Applied Philosophy*, 39(4), 581-596.
- Gholami, Akbar; Nowrouzi, Reza Ali; Heydari, Mohammad Hossein; Sepahi, Mojtaba (1401), Teleology of rational education in Plotinus' grace-oriented approach, *New Educational Thoughts*, Vol. 20, No. 71, pp. 61-78. [In Persian]
- Hasan, S. (2024), *Philanthropy and Social Justice in Islam: Principles, Prospects, and Practices*, Malaysia: A.S. Noordeen.
- Hashemi, Seyyed Ali Akbar; Babaei, Habibollah (2017) Allameh Tabatabaei's Theory of Social Justice and Its Foundations, *Criticism and Opinion*, Vol. 22, No. 86, 93-117. [In Persian]
- Khandouzi, Seyyed Ehsan; Mostafavi Sani, Ali; Sar-Abadani, Hossein. (2010). Design and Estimation of Composite Index of Social Justice in Iran, *Quarterly Journal of Parliament and Strategy*, Vol. 27, No. 102, 5-41. [In Persian]
- Kuhn, D. (2005). *Education for thinking*. Harvard University Press.

- Lipman, M. (2003), **Thinking in Education**, (2nd. Ed.) Cambridge University Press.
- Miriam, Sharan B.; Tisdell, Elizabeth J. (2019), *Qualitative Research: A Guide to Design and Implementation*, translated by Alireza Kiamanesh and Maryam Danae-Toos, Tehran: Humanities University Books Study and Compilation Organization (SAMAT). [In Persian]
- Moshman, D. (1990), Rationality as a goal of education, *Educational Psychology Review*, Vol 2, pp 335-364.
- Nowrozi, Reza Ali; Barati, Maryam (2019), Explanation of the Stages of Rational Education Based on the Levels of the Soul from the Perspective of Mulla Sadra. *Research in Islamic Education and Training*, Vol. 28, No. 48, pp. 31-62. [In Persian]
- Nowzari, Mahmoud; Zarei Rezaei, Mohammad Hossein (1400), Principles, Concept and Goals of Rational Education from the Perspective of Allameh Tabataba'i (RA), *Research in Islamic Education and Training*, Vol. 1, No. 2, pp. 25-46. [In Persian]
- Pourmahmoudi, Aref; Maleki, Hassan (2015), Rational education from the perspective of Allameh Jafari and its educational consequences, *Research on Islamic Education Issues*, Vol. 32, No. 29, pp. 29-48. [In Persian]
- Rashidi, Mohammad; Ayazi, Seyyed Mohammad; Bagheri, Seyyed Mohammad; Mehrizi, Mehdi (1402) Sociological explanation of Quranic examples of social justice from the perspective of Allameh Tabataba'i in *Tafsir al-Mizan*, *Sociological Studies*, Article 9, Volume 16, Number 60, December 1402, pages 179-195. [In Persian]
- Rustamov, I. (2023). A UNIQUE INTERPRETATION OF SOCIAL JUSTICE IN EASTERN PHILOSOPHY. *Engineering problems and innovations*.
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (1975), *Al-Mabda wa al-Ma'ad*, Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (1981), *Al-Shawahid al-Rubobiyyah fi al-Manahij al-Saluqiyyah*, Tehran: University Publishing Center. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim (1984), *Mafatih al-Ghayb*, Tehran: Iranian Society of Philosophy and Wisdom. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad Ibn Ibrahim, (1987), *Shahid al-Rubobiyyah*, translated by Javad Mosleh, Tehran: Soroush Publications. [In Persian]
- Sarabadani Tafreshi, Hossein; Mostafavi Sani, Ali; Sajjadih, Seyyed Alireza; Torabzadeh Jahromi, Mohammad Sadeq (2010), *Islamic theory of social justice (a presentation from the perspective of contemporary religious thinkers)*, Tehran: Imam Sadeq University (AS). [In Persian]
- Shafi'i, Nasrallah; Mola'i, Ezzatullah; Mudab, Seyyed Reza (1402) A comparative study of the views of Allama Tabataba'i and Seyyed Qutb on the principles of social justice in the interpretation of *Al-Mizan* and in the shadow of the Quran, *Scientific Quarterly of Interpretation Studies*, 49-65. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1387 c). *Collection of Letters*, vol. 1, Qom: Bostan Kitab (Islamic Propagation Office of the Qom Seminary). [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein (1423 AH). *The Path of Irfan* (translation of the treatise *Alu Layeh*), Qom: Bakhshaish. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1387 a). *Principles of the Philosophy of Realism*, Qom: Islamic Propagation Office of the Qom Seminary. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1387 b). *The Teachings of Islam*, Qom: Islamic Propagation Office of the Qom Seminary. [In Persian]
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1388). *Islamic Studies*, Volumes 1 and 2, Qom: Publications of the Islamic Propagation Office of the Qom Seminary. [In Persian]

- Tabataba'i, Mohammad Hussein. (1995). Translation of Tafsir al-Mizan, Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, vols. 1, 2, 3, 4, 5, 6, 7, 8, 9, 10, 11, 12, 13, 14, 15, 18, 19 and 20. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]
- Taghizadeh Pasandi, Marzieh; Mirian, Hamid; Mohammad Ghasemi, Mohammad (1400) Rational Education Style in the Life of Imam Sadeqin (AS), Islamic Lifestyle with a Health Focus, Vol. 6, No. 5, pp. 133-141. [In Persian]
- Turkashvand, Nasrin; Ghafari, Khalil; Faghihi, Ali Reza; Nateghi, Faezeh (2018). A comparative study of the goals and principles of rational education in the thought of Allameh Jafari and Kant. Islam and educational research. Q 10. No. 20. 69-86. [In Persian]
- Wei, L. (2024), Transformative pedagogy for inclusion and social justice through translanguaging, co-learning, and transpositioning, *Language Teaching*, Vol57, Issue2, pp. 203 – 214.
- Winch, C. (2004). Developing critical rationality as a pedagogical aim. *Journal of philosophy of education*, 38(3), 467-484.

